

## در نقد خودبزرگ بینی و توهم توطئه!

انتشارات فرهنگ معاصر نسخه‌ای شکیل و تروتمیز از رمان «دایی‌جان ناپلئون» ایرج پزشک‌زاد را تجدید چاپ کرده است و همین بهانه‌ای شد که در ستون «تفریحات سالم» این شماره کمی از این رمان مفرح حرف بزنیم، که یکی از بهترین رمان‌های طنز ادبیات معاصر ایران است.
رمانی پر از شخصیت‌های کمیک به‌یادماندنی و موقعیت‌ها و دیالوگ‌های طنزآمیزی که با نکته‌سنجی ساخته‌وپیرداخته شدند.
یکی از نقاط قوت این رمان خلق شخصیتی است که امروز به یک شخصیت مثالی در فرهنگ ایرانی بدل شده است و هرکس را که توهم توطئه دارد، برای خودش جایگاهی غیرواقعی قائل است و خود را بالاتر از آنچه هست می‌پندارد و گذشته‌ای دروغین برای خود و ایل و تبارش جعل می‌کند، به دایی‌جان ناپلئون تشبیه می‌کنند.
از طرف دیگر رمان «دایی‌جان ناپلئون» یکی از بهترین طنزهای ایرانی نوشته‌شده درباره زوال خانواده‌ای است که به دروغ برای خودش‌ان اصل ونسب تراشیده‌اند و دچار خودبزرگ‌بینی شده‌اند.
داستان به‌ظاهر روایت عشق سعید به دختردایی‌اش لیلی است و با همین عشق آغاز می‌شود، اما این عشق فقط بهانه‌ای است برای شرح وقایعی دیگر و روی آب ریختن پتة خاندانی تازه‌به‌دوران رسیده که این‌طور وانمود می‌کنند که از ازل از ثروت و مکت و جاه و مقام و اعتبار برخوردار بوده‌اند، ولی در طول رمان اتفاقاتی می‌افتد که از یک‌طرف کذب بودن این ادعا را نشان می‌دهد و از طرف دیگر دایی‌جان ـ که خود را ناپلئون بنپارت ثانی می‌پندارد ـ خاندان پرفیس‌وفاده‌اش را وادار می‌کند به چیزهایی تَن بدهند که پیش از این آنها را در شان خود نمی‌دانستند.
طنز موقعیت در این رمان در خدمت برمال‌کردن چنین تناقضاتی است.
«دایی‌جان ناپلئون» رمانی است پرشخصیت و موفق در شخصیت‌پردازی.
همچنین در هر فصل این رمان حادثه‌ای جدید اتفاق می‌افتد که منشأ بروز بحران تازه‌ای در خانواده دایی‌جان می‌شود و هر بحران، دایی‌جان و خانواده‌اش را که به‌ظاهر پیوندی مستحکم دارند، یک گام به زوال نزدیک‌تر می‌کند و در همین حین خود دایی‌جان نیز پله‌پله مراحل زوال عقل را طی می‌کند. البته در این میان نقش آقاچان، شوهرخواهر دایی‌جان، را هم نباید فراموش کرد. آقاچان یکی از جذاب‌ترین شخصیت‌های این رمان است.
مردی که دایی‌جان او را در شان خانواده خود نمی‌داند و از نظرش وصله ناجوری است که به خانواده او چسبیده است. آقاچان هم یواشکی دایی‌جان را می‌چزاند و حتی از جایی به بعد با او صلح می‌کند و آنقدر خود را به دایی‌جان علاقه‌مند نشان می‌دهد که می‌شود دست راست دایی‌جان هنگام گرفتن تصمیمات خطرناک. آقاچان با این ترفند به توهمات دایی‌جان، که مدام خاطراتی جعلی از نبردهایی قهرمانانه را در جمع بازمی‌گوید، دامن می‌زند و او را هرچه بیشتر به سمت دیوانگی هُل می‌دهد.
از دیگر شخصیت‌های به‌یادماندنی این رمان مش قاسم ـ نوکر وفادار دایی‌جان ـ است که او هم خود را در نبردها و دلاوری‌های کذب دایی‌جان سهیم کرده است. هرچه بحران‌های خانوادگی بیشتر می‌شود سعید بیشتر از لیلی دور می‌افتد و به‌رغم تلاش‌های اسدالله میرزا، شخصیتی رند که مدام دایی‌جان و خاندانش را دست می‌اندارد، عشق سعید به لیلی ناکام می‌ماند.
داستان در دوره ورود متفقین به ایران اتفاق می‌افتد و پزشک‌زاد در این رمان با مهارت و خوش ذوقی سرنوشت دایی‌جان را به شیوهای کمیک به این دوره تاریخی گره زده است، چون دایی‌جان خیال می‌کند انگلیسی‌ها با ورود به ایران می‌آیند و او را دستگیر می‌کنند. «کار کار انگلیس‌هاست» اصطلاحی است که با همین رمان وارد فولکلور جمعی ایرانی‌ها شده است. یکی از صحنه‌های به‌یادماندنی رمان آنجاست که دایی‌جان به تحریک آقاچان به هیتلر نامه می‌نویسد تا در صورت بروز هر خطری از جانب انگلیسی‌ها، هیتلر به یاری او بشتابد.
همچنین آن صحنه‌ای که یک هندی را جای انگلیسی به دایی‌جان قالب کرده‌اند و مشاجره‌ای خانوادگی باعث می‌شود ماجرا او برود، ناصر تقوایی از این رمان سریالی ساخته که یکی از بهترین سریال‌های ایرانی است.

دایی‌جان ناپلئون

ایرج پزشک‌زاد

دوست‌ساز

دایی‌جان ناپلئون

ایرج پزشک‌زاد

دوست‌ساز

## ترجمه‌ای تازه‌از «دست‌آخر» بکت

نشر چشمه اخیرا نمایشنامه «دست آخر» ساموئل بکت را با ترجمه مهدی نوید منتشر کرده است. این نمایشنامه سال‌ها پیش توسط نجف دریابندری ترجمه و منتشر شده بود و بعدها هم مترجمان دیگری ترجمه‌اش کردند. «دست آخر» در ایران به نام‌های «آخر بازی» و «پایان بازی» هم معروف است. یکی از ویژگی‌های ترجمه‌ای که اخیرا از این نمایشنامه منتشر شده حواشی و تعلیقات مفصلی است که به متن نمایشنامه ضمیمه شده و خواننده را در درک بهتر نمایشنامه بکت یاری می‌کند. این ترجمه همچنین با زندگی‌نامه مفصل بکت، به قلم دیوید پتی، همراه است که در آن اطلاعاتی خواندنی درباره زندگی و آثار بکت وجود دارد.

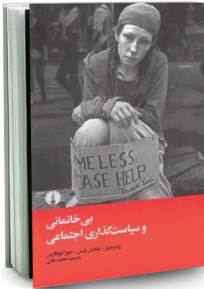
# اكتيبنو

بی‌خانمانی و سیاست‌گذاری اجتماعی

روجر باروز - نیکلاس پلیس - دپورا کویلگارس / ترجمه محمد خانی / انتشارات علمی و فرهنگی

## بی خانمانی و کار تن خوابی

مدیرکل سابق مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، بر ترجمه فارسی این کتاب نوشته است، این کتاب مطالعات مرکز سیاست‌گذاری مسکن دانشگاه یورک در زمینه‌پدیده بی‌خانمانی و کارتن‌خوابی را مرور می‌کند و در آن «علاوه بر مفاهیم نظری و قانونی موضوع بی‌خانمانی، آثار بی‌خانمانی نیز بررسی و تجربه سیاست‌گذاری‌های انجام‌شده برای این مسئله نیز ارزیابی شده است.» کتاب از یک درآمد و شانزده فصل تشکیل شده است. آنچه در ادامه می‌خوانید بخشی است از مقدمه مترجم بر ترجمه فارسی کتاب: «یکی از ویژگی‌های ممتاز این کتاب، نگاه ویژه نگارندگان به مسئله بی‌خانمانی است. هرچند بسیاری از این محققان به صورت زیرمجموعه گروه تحقیقاتی دانشگاهی دانشگاه یورک به این تحقیقات پرداخته‌اند، اما این امر آنان را از نگاهی راهبردی به مسئله بی‌خانمانی بازداشته است. به همین دلیل، چه در فهم مسئله، چه در نزدیک شدن به جنبه‌های مختلف آن، و چه در راهبردها و صوابدیدهای که محققان در نتیجه‌گیری هر فصل ارائه می‌دهند، شاهد نوعی نزدیکی میدانی محققان به مسئله هستیم.»



نقاشی‌ها همیشه پول دوست داشته‌اند / جودیت بن هامو-هونه / ترجمه لیلی گلستان نشر مرکز

## روی دیگر سکه هنر

هیچ کس نیست که از پول بدش بیاید اما معمولاً پای هنرمندا که به میان می‌آید همه خیال می‌کنند هنرمندان افراد وارسته‌ای می‌باشند که صرفاً برای دلشان به خلق اثر هنری مشغول‌اند و دغدغه فروش آثارشان را ندارند و برایشان مهم نیست که چقدر پول می‌کنند عایدشان می‌شود.

«نقاش‌ها همیشه پول دوست داشته‌اند» کتابی است که این تصور رایج و اغلب نادرست را، دست‌کم در مورد نقاش‌ها، تصحیح می‌کند. جودیت بن هامو-هونه در این کتاب با زبانی شیرین و خواندنی از ترفندهای نقاش‌ها برای پول درآوردن سخن می‌گوید و از اینکه اگر همه تاریخ هنر نقاشی مثل ونسان ونگوگ دارد که کارهایش در زمان حیاتش آنچنان فروشی نداشت، اولاً این نشانگر آن نیست که او خودش هم به پول درآوردن از راه نقاشی بی‌اعتنا بوده و دوماً کارهای ونگوگ هم اگرنه در زمان حیاتش، اما بعد از مرگش به اشیای تجاری گران‌قیمتی بدل شده‌اند و بنابراین گذار هنر به‌هرحال به بازار می‌افتد و هنر، در اینجا نقاشی، پدیده‌ای نیست که صرفاً با عالم معقولات



سروکار داشته باشد. دورر، کرناخ، ال‌گرگو، تیسین، رونسن، راهبرانت، کانالتو، شاردن، گوستاو کوربه، ونسان ون‌گوگ، پیکاسو و مکریت نقاشانی هستند که در این کتاب از پول درآوردن‌های آنها ماجراهای جذابی روایت شده است. محض نمونه نگاه کنید به این سطرهای کتاب که درباره پیکاسو است: «در قرن بیستم، هنر مندی که بیش از هر کسی داستان‌هایی در ارتباط با ابداع نمادین پول دارد پابلو پیکاسو است. پیکاسو مدام در حال طراحی بود وپیش طرح‌هایی که روی زیرشقای‌های کاغذی رستوران‌ها خط‌خطی می‌کرد و در عوض پول صورتحساب داده می‌شد زبازند خاص و عام است؛ آثاری ملموس از پرکاری هنرمند. در رستوران‌ها اشخاصی که به او نزدیک‌تر بودند، مثل همراهش دورا مار و یا دوست شاعر سورنالیستش ژرژ اوئل، این خط‌خطی‌ها را بازپس می‌گرفتند چون قیمتشان درواقع بیش از طلای هم‌وزنشان بود.» کتاب «نقاش‌ها همیشه پول دوست داشته‌اند» با ترجمه لیلی گلستان در نشر مرکز منتشر شده است.

نشر چشمه اخیرا نمایشنامه «دست آخر» ساموئل بکت را با ترجمه مهدی نوید منتشر کرده است. این نمایشنامه سال‌ها پیش توسط نجف دریابندری ترجمه و منتشر شده بود و بعدها هم مترجمان دیگری ترجمه‌اش کردند. «دست آخر» در ایران به نام‌های «آخر بازی» و «پایان بازی» هم معروف است. یکی از ویژگی‌های ترجمه‌ای که اخیرا از این نمایشنامه منتشر شده حواشی و تعلیقات مفصلی است که به متن نمایشنامه ضمیمه شده و خواننده را در درک بهتر نمایشنامه بکت یاری می‌کند. این ترجمه همچنین با زندگی‌نامه مفصل بکت، به قلم دیوید پتی، همراه است که در آن اطلاعاتی خواندنی درباره زندگی و آثار بکت وجود دارد.

# ویس‌شتره

کتابگردی



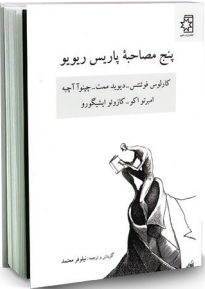
یکشنبه ۴ تیر ۱۳۹۶ ● شماره صد و هشت

A T I V E H N O

پنج مصاحبه پاریس ریویو / کارلوس فونتنتس - دیوید ممت - چینوآ آجیه - امبر تو اکو - کار وئو ایشی گورو / گزینش و ترجمه نیلوفر معتمد/ انتشارات ناهید

## نوشتن به روایت نویسندگان

پاریس‌ریویو» را نشر ناهید با گزینش و ترجمه نیلوفر معتمد منتشر کرده است. آنچه می‌خوانید قسمتی است از این کتاب که به مصاحبه پاریس ریویو با کارلوس فونتنتس، نویسنده مکزیکی، اختصاص دارد و بخشی از پاسخ فونتنتس است به این پرسش که آیا میان نقش اجتماعی نویسندگان آمریکایی و نویسندگان اهل آمریکای لاتین تفاوتی می‌بینی؟ فونتنتس در پاسخ می‌گوید: «ما به‌نسبت نویسندگان آمریکایی باید کارهای بیشتری انجام دهیم. آنها می‌توانند وقت بیشتری را به خودشان و نوشتن اختصاص دهند، اما ما مسئولیت‌های اجتماعی داریم. پابلو نرودا می‌گفت نویسندگان لاتین تیار هر جا که بروند پیکر سنگینی را هم به‌دنبال خود می‌کشند، پیکر مردمشان، گذشته‌شان و تاریخ ملی‌شان را. ما باید خودمان را با سنگینی شگرف گذشته‌مان وفق دهیم تا سرچشمه زندگی‌مان را فراموش نکنیم. اگر انسان گذشته‌اش را از یاد ببرد، نابود می‌شود. آدم بعضی فعالیت‌ها را به‌منظور مشارکت انجام می‌دهد، چون آنها نهادهای هستند که ما به‌عنوان یک شهروند، نه یک نویسنده برگردن داریم، با وجود این، آزادی زیبایی‌شناختی و موهبت زیبایی‌شناختی را حفظ می‌کنیم.»



عشق در روزگار وبا / گابریل گارسیا مارکز / ترجمه کاوه میرعباسی / انتشارات کتاب‌سرای نیک

## عاشقانه به سبک مارکز

جذاب. داستان اصلی عشق مردی به نام فلورنتینو اربنا به زنی به نام فرمینا داتا است. عشقی قدیمی که به سال‌های نوجوانی این دو بازمی‌گردد و البته به دلیل مخالفت پدر دختر با ازدواج دو دلاده، ناکام می‌ماند. فلورنتینو اما دورادور رد معشوقه را دنبال می‌کند تا سرانجام بعد از پنجاه سال بخت ملاقات با او را پیدا می‌کند. مارکز در این رمان نه‌فقط راوی عشق فلورنتینو و فرمینا که راوی تیزبین گذر زمان و تاثیر آن بر آدم‌ها هم هست. او با چیره‌دستی رد گذر زمان را بر آدم‌ها و سرگذشتشان نشان می‌دهد و داستان آدم‌های رمان را از نوجوانی تا سال‌خوردگی روایت می‌کند و روایت او چنان شیرین و جذاب است که خواننده هم مثل شخصیت‌های داستان در پایان کار احساس می‌کند این همه سال انگار مثل یک چشم به هم زدن گذشته تمام شده است. او همچنین از خلال روایت داستان عاشقانه‌اش، تصویری از جامعه آمریکای لاتین در روزگاری که داستان در آن اتفاق می‌افتد به دست می‌دهد. «عشق در روزگار وبا» رمانی است با ساختمانی محکم که عناصر آن بسیار به دقت با هم ترکیب شده‌اند.

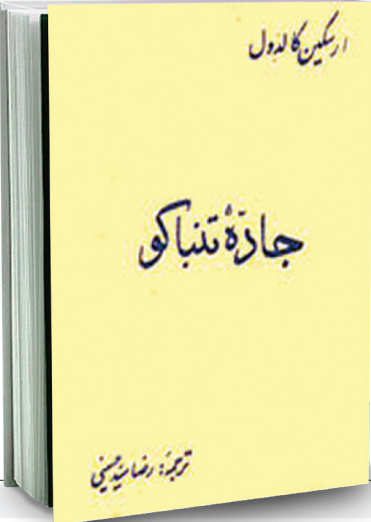


هر نویسنده طراز اولی چند شاهکار دارد و مجموعه‌ای از آثار خوب و قابل‌قبول و معمولی و حتی شاید ضعیف، معمولی و ضعیف‌اگر می‌گوییم البته در قیاس با آن چند شاهکار و آثار خوب چنین نویسنده‌ای است. قاعده‌ای که گفته شد اگر در مورد گابریل گارسیا مارکز کلمبایی هم صحت داشته باشد، بدون شک رمان «عشق در روزگار وبا» را باید جزو چند شاهکار این نویسنده به حساب آورد؛ از این رمان مهم مارکز چندی پیش ترجمه‌های تازه‌ای منتشر شد که یکی از مزیت‌هایش بر ترجمه‌های دیگر این است که مستقیم از زبان اسپانیایی ترجمه شده بود. ترجمه «عشق در روزگار وبا» دومین رمان از پروژه ترجمه دوباره آثار مارکز توسط کاوه میرعباسی است. میرعباسی که مترجمی است مسلط به زبان اسپانیایی و ادبیات اسپانیایی‌زبان، چندی است مشغول ترجمه دوباره آثار مارکز از زبان اسپانیایی است. از این ترجمه‌ها تاکنون «صدسال تنهایی» و «عشق در روزگار وبا» در انتشارات کتاب‌سرای نیک به چاپ رسیده‌اند. «عشق در روزگار وبا» رمان عاشقانه‌ای است با انبوهی از داستان‌های فرعی

ادبیات و کار - ۷-

## «جاده تنباکو»ی ارسکین کالدول

این رمان سال‌ها پیش با ترجمه زنده‌یاد رضا سیدحسینی در ایران منتشر شد. «جاده تنباکو» درباره کشاورزی به نام چتر لیستر است که مجبور شده تکای از زمین‌هایی را که روزگاری به اجداد خود او تعلق داشته، اجاره کند و روی این تکه زمین کار کند، اما سهم ناچیز لیستر از این میراث اجدادی هم حاصلی برای او ندارد چون زمین او حاصلخیز نیست و نمی‌شود چیزی در آن کاشت. کالدول در این رمان با طنزی تلخ داستان فروپاشی یک خانواده کشاورز سنتی را باز می‌گوید. موقعیت‌هایی که او در این رمان به‌وجود آورده است هم مضحک‌اند و هم سخت‌غم‌انگیز. از کالدول آثار دیگری هم به فارسی ترجمه شده که از آن میان می‌توان به «قصه‌های بابام» به ترجمه احمد شاملو اشاره کرد.



آثار این نویسندگان نیک مطلق نیستند بلکه آدم‌هایی هستند که به جبر موقعیتی که در آن گرفتارند مجبور می‌شوند به اعمالی تن بدهند که ممکن است طبق ارزش‌گذاری‌های اخلاقی درست به حساب نیایند، اما موقعیت دشوار راه دیگری برای چنین آدم‌هایی نگذاشته است. برای همین است که این نویسندگان از سطح معضلی که به آن می‌پردازند عبور می‌کنند و به عمق وریشه معضل دست می‌یابند. ارسکین کالدول، نویسنده آمریکایی نیمه اول قرن بیستم، نمونه‌ای از این نویسندگان است. او در جوانی شغل‌های گوناگونی داشت و مدتی هم واکسی بود. کمی بعد فوتیالیست شد و بعد از آن کم‌کم که به‌عنوان نویسنده به شهرت رسید، ازجمله آثار او که به فارسی هم ترجمه‌شده رمانی است به نام «جاده تنباکو».

نویسندگانی که خود تجربه کار سخت داشته‌اند و از تیزبینی لازم هم برای درک جان و جوهر آنچه از نزدیک تجربه کرده‌اند برخوردار بوده‌اند، در ترسیم واقع‌بینانه زندگی مردمی که مشاغل سخت و درآمد کم دارند موفق‌ترند. این دست نویسندگان هنگام نوشتن از رنج مردم فقیر معمولاً دچار ساتی مانتالیسم نمی‌شوند و به مقوله فقر و عوارض آن نگاهی واقع‌بینانه‌تر دارند. آنها مخالف تبعیض و نابرابری طبقاتی‌اند اما در ترسیم رنج تهیدستان و نقد نابرابری گرفتار زندگی و سلب‌حی‌نگری نمی‌شوند و به آدم‌های داستان‌هایشان و موقعیت‌هایی که این آدم‌ها گرفتارشان هستند از جنبه‌های گوناگون نگاه می‌کنند. برای همین در آثار این نویسندگان خبری از سیاه‌وسفید دامن‌آلود نیست. مردم فقیر در